

اصول کلی حاکم بر اقتصاد مقاومتی در سیاست های کلی

کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و نظام اداری

چکیده

گزارش حاضر با عنایت به نظریه‌ی اقتصادی و علمی حاکم بر اقتصاد مقاومتی، در کنار بیانات مقام معظم رهبری و ایده‌های اولیه‌ی ارسالی از دفتر ایشان، مدون شده است. با در نظر گرفتن اقداماتی که برای دستیابی به عملکرد موفق یک اقتصاد مقاومتی در وضعیت اقتصاد ایران لازم شمرده شده است، بندهای مختلف پیش‌نویس سیاست کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی تدوین شده است. در این گزارش، جزییات ارتباط بین هر یک از مفاهیم در هر مورد به تفصیل مشخص شده است تا مطالب مندرج در پیش‌نویس سیاست های کلی قابل ردیابی بوده و انسجام آنها قابل شناسایی باشد. در نهایت بندهای مختلف پیش‌نویس سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی چنان منظم شده است که ضمن دربر گرفتن تمام مباحث مهم، هیچ تکراری در مطالب مندرج در متن پیش‌نویس سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی، وجود نداشته باشد.

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، جهاد اقتصادی، تحریم، سیاست های اقتصادی.

مقدمه

اقتصاد مقاومتی^۱ مبحثی در اقتصاد است که بر اساس آن می توان دید چگونه اقتصاد قادر است در مقابل ضربه های مختلف مقاومت کند و در عین حال از این ضربه ها آسیب نبیند. طرح این مبحث به ویژه برای ارزیابی توان مقاومت اقتصادهای مختلف در برابر بحران کاربرد داشته است. اقتصاد مقاومتی یک مکتب یا یک نگرش اقتصادی نیست ولی الزامی است که اقتصاد را در محور باورها و اعتقادات آن، مقاوم می سازد. بنابراین نباید تصور کرد که اقتصاد مقاومتی عامل برهم زدن باورهای بنیادی می شود. از دیدگاه نظری، اقتصاد مقاومتی محورهایی دارد که در گزارش حاضر به آنها اشاره شده است. شاخص مقاومت اقتصادی^۲ شاخصی است که بر مبنای آن قدرت مقاومت سنجیده می شود. این شاخص در زمان حاضر در جهان اهمیت بسیار یافته است و کشورهای مختلف تلاش می کنند که برای شناسایی توان مقاومت خود، این شاخص را مبنا قرار دهند. مظهر مقاومت در اصطلاح، درختی است که شاخ و برگ آن در برابر طوفان خم و راست می شود ولی درخت استوار و پابرجا باقی می ماند و همچنان به رشد خود ادامه می دهد. قدرت مقابله با چالش ها سبب می شود که درخت آسیب پذیری کمی داشته باشد و نابود کردن آن به سادگی ممکن نشود. با این اوصاف، در جریان مقاومت، اقتصاد ممکن است زیر و بالا داشته باشد، ولی همچنان قدرتمند باقی می ماند و می تواند وضعیت خود را ثبات ببخشد.

اصول کلی حاکم بر اقتصاد مقاومتی و سیاست های لازم برای اجرایی کردن این اصول

در تدوین پیش نویس سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی، چارچوب نظری اقتصاد مقاومتی محور قرار گرفته است ولی ساماندهی این پیش نویس با عنایت به ایده های اولیه ی سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی ارسالی از دفتر مقام معظم رهبری، تهیه شده است. بنا به تعریف ارسالی: "اقتصاد مقاومتی، گفتمان و الگویی اقتصادی- مدیریتی است که ضمن مقاوم سازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدات و توان تحریم شکنی، با رویکرد عقب راندن نظام سلطه، پیش رو، فرصت ساز، مولد، درونزا و برون گرا است". با عنایت به این تعریف لازم است چارچوب نگرش به اقتصاد مقاومتی مشخص شود تا بندهای مختلف سیاست هایی که برای آن تعریف می شود، معنادار و سازمان یافته باشد. با این رویکرد، در ادامه محورهای حاکم بر اقتصاد مقاومتی که ضوابط حاکم بر این اقتصاد را نشان می دهد، بیان می شود.

1- Resilient Economy

2- Resilience Index of Economy

الف: حفظ ماهیت و هویت اقتصاد

اقتصاد مقاومتی، در هر صورت باید یک اقتصاد منطقی، عقلایی و متکی به ضوابط مندرج در قانون اساسی و اسناد بالادستی نظام باشد. با این اوصاف، عملکرد اقتصاد از منظر نوع حکومت نمی‌تواند چارچوبی مشابه اقتصادهای سوسیالیستی داشته باشد. موضوع ایجاد توان مقاومت بدون از دست رفتن امکان توسعه، نباید عاملی در جهت مخدوش کردن ماهیت و هویت اقتصاد کشور باشد. شکل‌گیری و تداوم این اقتصاد در هر صورت، در تمام موارد، ماهیتی درازمدت دارد و آثار ناشی از برقراری اقتصاد مقاومتی در زندگی اقتصادی جامعه برای مدتی طولانی باقی می‌ماند. عمده‌ترین پیام‌های این محور عبارتند از:

۱. ساماندهی یک الگوی مفهومی شفاف و اجرایی برای مدیریت اقتصاد کشور بر اساس ضوابط قانون اساسی و اسناد بالادستی،
۲. متکی کردن قوانین برنامه‌ای کشور بر اساس این برنامه،
۳. تشکیل پایگاه مرکزی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی در دولت با هدف هماهنگ‌سازی و بسیج همه‌ی امکانات کشور برای اجرای سریع سیاست‌های کلی و برنامه‌های اقتصادی، از جمله سیاست‌های مذکور، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و جلب اعتماد، همراهی و همدلی عموم جامعه برای مقابله با تهدیدات و طراحی برنامه‌های اضطراری برای مقابله با حوادث ناشی از گسترش تحریم در قالب طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی.

تبصره ۱: لازم است نمایندگانی از قوای مقننه، قضاییه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و بخش خصوصی در این پایگاه حضور داشته باشند.

تبصره ۲: فعالیت پایگاه مورد بحث در چارچوب قوانین موجود است و در صورت نیاز به تصویب قوانین جدید یا اصلاح قوانین موجود، این کار در قوای مقننه و مجریه در اولویت مطلق کاری قرار خواهد گرفت.

تبصره ۳: برای تسریع در اجرایی کردن کارآمد این سیاست‌ها، دولت مکلف است حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ، راهکارهای لازم برای عملیاتی کردن این سیاست‌ها را تنظیم و پیگیری قانونی را انجام دهد و گزارش آن را برای انجام وظایف نظارتی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال نماید.

ب: توانمندسازی و افزایش کارآیی مدیریت و نظام اداری

در ارتباط با این موضوع، یکی از مشکلات مختل‌کننده، نابسامانی مدیریتی در تمام سطوح بوده و لازم است توانمندی و کارآیی مدیریت کشور افزایش یابد. اگر کارآیی

و کفایت مدیران مد نظر قرار نگیرد، اصلاح اقتصاد کشور با هیچ ترفندی امکان نخواهد داشت. مدیریت توانمند قادر است بسیاری از نقاط ضعف اقتصاد کشور را پوشش بدهد و در ایجاد وضعیتی برآورنده برای اقتصاد کشور اثری مثبت داشته باشد. مدیریت لازم برای اقتصاد مقاومتی، مدیریتی توانمند، کارآمد، هوشمند و متکی به ارزش زمان است که اقدامات خود را برنامه ریزی می کند و در عین حال با هوشیاری جدی به تحلیل سریع وقایع می پردازد تا بر اساس انتظارات و احتمالات، رفتارهای آینده را مشخص نماید. پیام های عمده ی این محور به شرح زیر است:

۱. شفاف سازی ماهوی روش های گزینش مدیران کشور در دستگاه های اجرایی،
۲. ارزیابی شفاف کارایی و توانمندی مدیران بخش عمومی کشور و مقایسه ی آن با مدیران مشابه بخش خصوصی و مدیران مشابه دوره های پیش از خود،
۳. تغییر در نگرش به برنامه ریزی با اجرایی کردن نظام برنامه ریزی غلطان،
۴. اصلاح نظام اداری کشور به ترتیبی که عوامل برانگیزنده ی افزایش کارایی و توانمندی در آن شفاف شود و فعالان در دستگاه های اداری بتوانند در جریان کاری خود ترفیع برآورنده ی عملکرد و توانایی های خود را دریافت کنند. مدیران مسئول باید به ضرورت اجرای اقتصاد مقاومتی باور داشته باشند.

پ: اصلاح زمینه ی فعالیت فعالان اقتصادی

نظر به این که جلب مشارکت تمام مردم برای مشارکت در اصلاح ساخت اقتصادی و تلاش برای تولید ضرورت دارد، لازم است دولت چنان برنامه ریزی کند که زیرساخت های لازم برای این نوع فعالیت فراهم شود. در این راستا به ویژه اصلاح ساخت وضعیت پولی کشور و ایجاد سلامت و حفظ ارزش پول ملی، ضرورت تام دارد تا ثروت کشور بر پول ملی تکیه کند و احترام به کار و سرمایه ی ایرانی در بهترین شکل خود، متبلور شود. در همین راستا، کاهش وابستگی بودجه ی دولت و اقتصاد کشور به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت از یک سو و کوچک و کارآمد شدن دولت از سوی دیگر، باید با دقت و جدیت دنبال شود. پیام های عمده ی این محور عبارتند از:

۱. تدوین سیاست پولی متکی بر کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی، و تعهد مقام پولی به اجرایی کردن این سیاست،
۲. کوچک کردن حجم و بودجه ی دولت در اقتصاد ملی،
۳. پرهیز از افزایش قیمت کالاها و خدماتی که دولت یا بخش عمومی قادر است در قیمت آنها مداخله کند،

۴. فعال سازی بازار سرمایه ی داخلی کشور برای تأمین مالی بنگاه های اقتصادی کارآمد و سرمایه گذاری های خطرپذیر،
۵. آینده نگری روند تحولات جهانی و ملحوظ نمودن آن در سیاست های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی و افزایش آمادگی و سرعت بخشیدن به واکنش هوشمند در مقابل روندهای جهانی،
۶. بهبود مداوم فضای کسب و کار، توسعه ی فضای رقابتی و حفظ امنیت مالکیت و سرمایه با هدف جلوگیری از فرار سرمایه های کشور (سرمایه ی انسانی و مادی).
۷. شفاف سازی ارزش افزوده ی هر یک از فعالان در فرآیندهای اقتصادی با هدف حصول اطمینان از سهم بری عادلانه ی متکی به ارزش افزوده در زنجیره ی تولید تا مصرف،
۸. کاهش حداکثری ارتباط اقتصاد کشور با ارز و درآمدهای نفتی،
۹. پرهیز از ایجاد درآمدهای بودجه ای متکی به محدود کردن امکانات و فعالیتهای بخش خصوصی^۳،
۱۰. بهینه سازی و کارآمدسازی دولت با هدف سرعت بخشیدن به فعالیتهای اقتصادی مؤثر بر افزایش مقاومت ملی با هدف کاهش بار مالی فعالیتهای دولت به طور جهادی در چارچوب کوچک کردن دولت با استفاده از مکانیزم کاهش بار مالیاتی همراه با افزایش واگذاری فعالیتهای اقتصادی به بخش های غیردولتی،
۱۱. جلوگیری از اجحاف دولت و بخش عمومی به آحاد جامعه با توسل به دلایلی مانند تأمین مالی بودجه ای، آزادسازی قیمت ها، منطقی کردن قیمت ها و امثال آن،
۱۲. هماهنگ سازی تمام سیاست های اقتصادی با هدف ایجاد ثبات در سطح کلان اقتصاد ملی.

ت: احترام به محصولات ساخت داخل

تقاضای ملی باید با بیشترین تأکید از محل محصولات ساخت داخل تأمین شود. این بدان معنی است که تولیدکنندگان و مصرف کنندگان ایرانی به این نتیجه برسند که محصولات ایرانی باید در جایگاهی والا قرار بگیرد و جریان تولید تا مصرف این محصولات با عنایت به این احترام شکل بگیرد. در این راه لازم است دولت و حکومت به عنوان سرمشق، تلاش نمایند تا ساخته های داخل را مصرف کنند. محصولات ساخت داخل، با کارآیی رقابتی، باید در اولویت مصرف کنندگان قرار بگیرد. رعایت اصل رقابتی بودن محصولات ساخت داخل

۳ - منظور درآمدهایی است که حاصل آن بالا رفتن درآمد دولت، ولی خروج بخش خصوصی از فعالیت اقتصادی است: مثل مالیات اضافی که منجر به خروج تولید کننده از فعالیت می شود.

از الزامات است زیرا استفاده از محصولات داخلی نباید با افت توسعه ی ملی همراه شود. عمده ترین پیام های این محور به شرح زیر است:

۱. ایجاد شبکه ی اطلاع رسانی عمومی برای معرفی محصولات ایرانی،
۲. ملزم کردن بخش عمومی به استفاده ی بهینه از محصولات ایرانی و جایگزین کردن حداکثری محصولات ایرانی به جای محصولات خارجی،
۳. فرهنگ سازی برای ارزش گذاری بر محصولات ایرانی،
۴. ایجاد مکانیزم های جایگزینی برای اقلام مصرفی و واسطه های خارجی با شرط پایین نیامدن کارآیی.

ث: تأکید بر فعالیت های دانش بنیان

نظر به الزام مقابله با عوامل مختل کننده ی توسعه ی کشور در جریان تحریم، لازم است فعالیت های دانش بنیان در گسترده ترین شکل خود توسعه یابد. برای این کار باید تمام امکانات کشور تجهیز شود. گسترش فعالیت های دانش بنیان عامل بهبود کیفیت و کارآیی تولید داخل و بالارفتن سطح نوآوری در کشور می شود. این موارد در نفس خود سبب افزایش توان مقاومت اقتصاد ملی و سرعت بخشیدن به رشد خواهد شد. این بدان معنی است که الزامات گسترش اقتصاد دانش بنیان باید رعایت شود و در اولویت قرار بگیرد. عمده ترین پیام های این محور به شرح زیر است:

۱. اصلاح ساختار اقتصاد به سمت اقتصاد دانش بنیان با ویژگی های این اقتصاد،
۲. پیگیری فعالیت های تحقیقاتی و تلاش برای اجرایی کردن دستاوردهای حاصل از این تحقیقات. در این راستا لازم است بودجه های تحقیقاتی ارزیابی شود و تحقیقات متکی به نوآوری از روش های مختلف تأمین مالی داشته باشد.

ج: سلامت اقتصادی

برای آن که اقتصاد مقاومتی بتواند به خوبی عمل کند، لازم است سلامت در تمام سطوح به اقتصاد باز گردد و از اسراف های بی رویه در تمام سطوح فعالیت های اقتصادی جلوگیری شود. حیف و میل منابع نمی تواند در چارچوب اقتصاد مقاومتی کارکرد داشته باشد. اصلی ترین پیام های تحقق این محور عبارتند از:

۱. اطلاع رسانی در مورد استانداردهای مصرف محصولات ایرانی در چارچوبی واقع بینانه،
۲. شفاف سازی عملیات دولتی به وضعی که نشان داده شود درجه ی اتلاف منابع

- در بخش دولتی چقدر است و تلاش برای کاهش این وضعیت نابهینه. در این راستا مبارزه با انحصار و تبعیض ضرورت دارد،
۳. سالم‌سازی اجرایی فعالیت‌های بخش دولتی و نمایش شفاف روند افزایش سلامت، صرفه‌جویی، تقویت وجدان کاری، انضباط اجتماعی و درست‌کاری در این بخش،
۴. استفاده از مکانیزم‌های نظارتی شفاف و سالم برای ردیابی زود هنگام موارد فساد و سوءاستفاده‌ی مالی در فعالیت‌های اقتصادی.

ج: جلب مشارکت عموم مردم

برای این کار لازم است با الگوی بسیج، مشارکت عمومی جلب شود تا بزرگترین گروه جامعه در تلاش برای اصلاح ساختار اقتصاد کشور و بالابردن قدرت مقاومت ملی تلاش کنند. شرط اصلی برای توفیق در تجهیز مردم این است که عموم مردم باور داشته باشند که دولت صادقانه در کنار جامعه قرار دارد. پیام‌های اصلی این محور عبارتند از:

۱. برنامه‌ریزی برای گسترش حضور گروه‌های مختلف مردم در فعالیت‌های اقتصادی،
۲. واگذاری مدیریت سهام عدالت (عرضه شده تا زمان حاضر) به متخصصان با قید محدودیت افزایش بازده و سود این سهام از یک سو و پرداخت به هنگام سود سهام از سوی دیگر.
۳. ایجاد شبکه‌های تأمین مالی با مدیریت خصوصی برای تأمین نیازهای گروه‌هایی از مردم که مایلند فعالیت‌های کوچک خصوصی داشته باشند،
۴. اعطای بخشودگی مالیاتی به اشخاص حقیقی و حقوقی که بتوانند عامل افزایش بازدهی فعالیت‌های اقتصادی شوند. این کار باید بر اساس یک برنامه‌ی شفاف انجام شود،
۵. تقویت امکان حضور گسترده‌ی فعالان اقتصادی داخلی در مبادلات و تأمین نیازهای فعالیت‌های اقتصادی به‌صورتی که کمبود قطعات مورد نیاز ماشین‌آلات صنعتی از خارج به کمترین حد برسد و چرخه‌ی فعالیت متوقف نشود،
۶. تقویت سرمایه‌ی اجتماعی با هدف جلب همدلی عمومی برای بالا بردن قدرت مقاومت ملی در چارچوب ایجاد روحیه و انگیزه‌ی جهادی و تعادل اجتماعی برای بسیج تمام نیروها و امکانات کشور در مسیر شکوفایی اقتصادی و مقابله با تهدیدهای احتمالی گروه‌های متخاصم،
۷. شفاف‌سازی فعالیت‌ها و به‌هنگام‌سازی اطلاعات برای جلب اعتماد عمومی،
۸. تلاش در جهت ارتقای عدالت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های برابر، توانمندسازی آحاد

جامعه، بهبود فضای اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی با هدف جلب بیشترین گروه مردم جامعه برای مشارکت در زندگی اقتصادی،
 ۹. اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تبعیض بین بخش خصوصی و بخش های دولتی و شبه دولتی در وضعیت مشابه.

ح: تقویت توانمندی و بازدهی نیروی کار

یک الزام برای اقتصاد مقاومتی این است که نیروی کار در تمام سطوح به صورت جدی و با دستیابی به بالاترین سطح بازدهی، فعال شود. برای این کار باید از تمام توانایی های سرمایه ی انسانی استفاده شود تا در نهایت بیشترین افزوده از این سرمایه به دست آید. هر قدر نیروی کار، فعالیت بیشتر و مفیدتری داشته باشد، اقتصاد از قدرت مقاومت بیشتری برخوردار می شود. وجود حمایت های فعال برای تقویت توانمندی نیروی کاری الزامی است. عمده ترین پیام های این محور عبارتند از:

۱. ایجاد یک شبکه ی اطلاع رسانی شفاف در مورد بازدهی نیروی کار در ایران در مقایسه با جهان و استفاده از این شبکه برای ثبت بازدهی نیروی کار ایرانی در تمام سطوح،
۲. ایجاد امکان حضور نیروی کار در شبکه های ارائه ی خدمات فنی به مجموعه ای از بنگاه های تولیدی،
۳. برنامه ریزی برای بازآموزی نیروی کار و برگشت دادن این نیرو به بخش های تولیدی کشور.

خ: استفاده از حداکثر ظرفیت های تولید

بی مصرف ماندن ظرفیت های تولیدی، عاملی برای اسراف و ضایع کردن تولید ملی است. با عنایت به محور مقاومت در مقابل تحریم، در اقتصاد مقاومتی باید حداکثر بهره برداری از ظرفیت های تولیدی انجام شود. برای این کار باید برنامه ریزی دقیقی وجود داشته باشد تا نیازهای بازار در بخش تولید ملی مشخص شود و محصولات هر بنگاه تولیدی در بیشترین حد در این بازار مورد استفاده قرار گیرد. اصلی ترین پیام های این محور به شرح زیر آورده شده است:

۱. برنامه ریزی برای شناخت نیازهای بخش تولید و تلاش در مورد تأمین قطعات و لوازم مورد نیاز بنگاه ها،
۲. اجرای سیاست واگذاری درصدی از سهام بنگاه های تولیدی به کارکنان با هدف ایجاد انگیزه برای جلب مشارکت آنها در بالابردن ظرفیت های تولید،

تصوره: در مورد بنگاه‌های خصوصی، این واگذاری می‌تواند در مقابل بخشی از دریافتی کارکنان که به هر دلیل مدیریت بنگاه قادر به پرداخت نیست، انجام شود ولی این کار نباید در حدی باشد که کارکنان نتوانند با دریافتی جاری خود زندگی و معیشت خویش را تأمین نمایند.

د: جلوگیری از تعطیل شدن واحدهای تولیدی و کارخانه‌های کشور

تداوم فعالیت بنگاه‌های تولیدی در چارچوب اقتصاد مقاومتی و اصلاح فعالیت این کارخانه‌ها موضوع مهمی است که باید به آن پرداخته شود. تداوم فعالیت بنگاه‌های تولیدی از یک سو به بقای اشتغال می‌انجامد و از سوی دیگر ارزش افزوده‌ای ایجاد می‌نماید که می‌تواند عامل بالارفتن سطح توسعه‌ی ملی باشد. بروز موج تعطیلی کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی می‌تواند انسجام اجتماعی جامعه را مخدوش کند و به اعتبار حکومت آسیب وارد آورد. عمده‌ترین پیام‌های این محور عبارتند از:

۱. ایجاد امکان واگذاری مدیریت بنگاه‌های تولیدی عمومی، شبه‌دولتی و دولتی با قید شرط ادامه‌ی فعالیت بنگاه و پرداخت مزد و حقوق کارکنان در زمان‌های مقرر و بر اساس الگوی مشارکت مدیر در سود بنگاه. دولت باید تضمین بدهد که در صورت تحقق شروط ذکرشده در قرارداد، واگذاری قطعی بنگاه تولیدی را به مدیر یا مدیران برگزیده بر اساس یک الگوی شفاف و مشخص انجام دهد.
۲. حمایت دولت برای به وجود آوردن امکان تشکیل شبکه‌های تولیدی و توافق بین بنگاه‌های مشابه از لحاظ تولید، با هدف جلوگیری از تعطیل شدن کارخانه‌ها و بی‌کارشدن نیروی کار. در این الگوی مشارکتی، لازم است نحوه‌ی مشارکت بسیار شفاف شود و دولت آمادگی داشته باشد که به بنگاه‌هایی که با استفاده از این نوع مشارکت توانسته‌اند از تعطیل شدن بنگاه خود جلوگیری کنند، بخشودگی مالیاتی ارائه نماید.

د: توجه به زندگی مردم جامعه

نباید این انتظار به وجود آید که هیچ چیز در زندگی مردم تغییر نمی‌کند. امر واقع این است که در کوتاه مدت و در جریان بالابردن مقاومت اقتصاد کشور در مقابل تحریم‌ها، زندگی مردم می‌تواند با نابسامانی‌هایی مواجه شود. با وجود این، در میان مدت، تعادلی نسبی در زندگی برقرار خواهد شد. لازم است دولت به نوعی، حداقل کالاهای اساسی و ضروری مردم جامعه را تأمین کند. اصلی‌ترین پیام‌های این محور به شرح زیر است:

۱. تأمین کالاهای اساسی و ضروری و برقراری امنیت غذایی و دارویی جامعه با هدف مقابله با کمبودهای نگران کننده در اقتصاد کشور از طریق مدیریت و برنامه ریزی برای تأمین به موقع کالاهای اساسی و ضروری و داشتن ذخایر راهبردی برای پوشش دادن به ضربه های احتمالی بیرونی،
۲. مدیریت مصرف با هدف تأمین حداقل مصرف مورد نیاز تمام آحاد مردم،
۳. گسترش پوشش تأمین اجتماعی برای حمایت از گروه های محروم جامعه و مبارزه با فقر و ناعدالتی.

ر: تقویت روحیه ی خودباوری و خوداتکایی

فرهنگ سازی برای هدایت نیروهای مختلف، در جهت بالابردن قدرت مقاومت، باید در چارچوب تقویت روحیه ی خودباوری و خوداتکایی انجام شود. تمام فعالان اقتصادی و مصرف کنندگان باید به محصولات ایرانی و توانایی ایرانی در تأمین نیازهای کشور معتقد باشند. پیام اصلی این محور عبارت است از:

"جهت دهی به رسانه ها، به ویژه به صدا و سیما، در راستای سالم سازی فضای عمومی، گسترش فرهنگ استقامت و خودباوری و اطلاع رسانی صحیح و به موقع به مردم".

ز: حداکثر کردن استفاده از امکانات و تجهیزات موجود در کشور

بنگاه های تولیدی متروکه ی متعددی وجود دارند که کالاهای سرمایه ای آنها می تواند برای تداوم فعالیت بنگاه های فعال کنونی به کار گرفته شود. برای این کار اطلاع رسانی، برنامه ریزی و ارائه ی خدمات نصب دوباره، از الزامات است. در همین راستا باید الگوهای مشارکتی ویژه به مالکان کالاهای سرمایه ای ارائه شود تا آنها نیز بتوانند آزادانه و با رغبت، سرمایه ی خود را در چرخه ی تولید به کار بیندازند. این جریان نباید به هیچ عنوان عاملی برای تصاحب اموال مردم یا کاهش اعتبار حقوق مالکیت باشد. عمده ترین پیام های این محور عبارتند از:

۱. شناسایی بنگاه هایی که به هر دلیل نتوانسته اند سرمایه خود را در طول سال ها فعال نمایند. در این راستا لازم است طی یک برنامه ی سریع و دقیق، فهرست ماشین آلات و وضعیت آنها مشخص گردد،
۲. ایجاد شبکه های استفاده ی حداکثری از ماشین آلات موجود و انجام خدمت رسانی برون بنگاهی برای آن دسته از فعالان اقتصادی که به محصولات تولیدشده توسط آن ماشین آلات نیاز دارند.

ز: پایین آوردن درجه ی آسیب پذیری کشور در جریان مبادلات با خارج

طی سال های اخیر، شرکای تجاری بدون در نظر گرفتن ارتباطات درازمدت بین ایران و آن کشورها، برگزیده شده اند. در نهایت، وابستگی ایران به دنیای خارج به شدت افزایش یافته است ولی این وابستگی با رابطه ی درازمدت با شرکای تجاری همراه نشده است. این الگوی ارتباط با خارج در موارد متعدد عاملی در جهت کاهش مقاومت اقتصاد کشور در مقابل انواع ضربه ها محسوب می شود و در هر صورت تحریم یکی از موارد بارزی است که الگوی تجاری مورد بحث در مقابل آن بسیار ضربه پذیر می شود. با عنایت به این وضعیت، بازنگری جدی در فهرست شرکای تجاری کشور از یک سو و نحوه ی مبادله با خارج از سوی دیگر، ضرورت دارد تا درجه ی آسیب پذیری کشور در برابر ضربه های خارجی به پایین ترین حد کاهش داده شود. این بازنگری تحت هر شرایط ضرورت دارد ولی در وضعیت تحریم اولویت بیشتری می یابد. اصلی ترین پیام های برخاسته از این محور به شرح زیر است:

۱. بازنگری در فهرست شرکای تجاری کشور به ترتیبی که رابطه ی تجاری با پیوندهای غیرتجاری همراه شود،
۲. جلوگیری از بالارفتن درجه ی وابستگی کشور به یک شریک تجاری خاص به طوری که به آن شریک امکان تهدید داده شود،
۳. ساماندهی به مبادلات مالی همراه با مبادلات تجاری بین ایران و شرکای تجاری به شرحی که ایران بتواند با استفاده از ابزارهای کارآمد مالی، امکان ضربه پذیری اقتصاد کشور را در جریان ضربه های مختلف، به کمترین حد محدود کند.

منابع و مآخذ

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (مد ظله العالی).
- رضایی میرقاند، محسن و علی مبینی دهکردی (۵۸۳۱)، ایران در افق چشم انداز، انتشارات اندیکا، تهران.
- سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.